

رعیت نوکنده هم اگنط را توسری می‌زند ۲۷۲. اگنط خبر به‌عشوراده داده دو پراخوت جنگی دربندر حاضر [کرده] ده نفر از اشخاص محترم اتران را مغلولاً قزاقهای روس گرفته به‌عشوراده می‌برند. هژبرالسلطان ۲۷۳ نایب‌الحکومه به‌سردار افخم راپرت می‌دهد، در صورتیکه باطناً به‌روسها میل دارد مدیر قونسول برای رسیدگی بندر جزر رفته محبوسین را از عشوراده آورده استنطاق نمودند. قصور به‌عهده رؤسای نوکنده مجبوراً گذاشته دوسه نفر را مجازات کرده مرخص نمودند ۲۷۴.

درباب داردانل

پنجم ماه مذکور قونسول سابق به‌موجب خبر تلگرافی انتشار داده، از یک طرف قشون بریطانیا یک طرف ماداردانل را محاصره نموده عنقریب اسلامبول را فتح می‌نمائیم.

درباب بارندگی

استراباد زمستان حقیقی در فصل بهار شده، شب و روز بارندگی [و] آب سیل از کوهستان جاری [است]. دشت ترکمان تماماً پر آب، به‌سبب طغیان آب رود گرگان یک‌زن با دویچه از محالات گنبد قابوس آب آورده. کربی‌های جعفربائی را خراب کرده، چندسال است که این طور بارندگی نشده بود.

نمره ۱۴۵

۲۵ ماه می رفت - ۱۹۱۵

درباب هژبرخاقان ۲۷۵ عبدالملکی

قاسم‌خان مذکور که در سال قبل باعث قتل عموی خود عسکرخان عظام‌الملک گردیده از ترس قونسول روس فراراً به‌طهران رفته بود بعداز معزولی قونسول به‌حمایت سپهدار وارد به‌مازندران شد. عیال عظام‌الملک از ترس مشارالیه به‌استراباد آمده، هژبرخاقان ارازوردی آخوند خوجه‌نفسی را فرستاده که عیال عظام‌الملک را اطمینان ۲۷۶ داده به‌مازندران بفرستند.

درباب کمیسر روس

نزاع بین رامیانی و کمیسر روس را کراراً به‌عرض رسانده، روسها به‌قوه جبریه

۳۷۲- اصل: می‌نماید (؟)

۳۷۳- صل: هژبرالسلطان.

۳۷۴- در دنبال آن نوشته است «بقیه دارد».

۳۷۵- اصل: هژبرخاقان.

۳۷۶- اصل: مطمئن.

می‌خواهند اراضی رامیان را تصرف نمایند. مهدی‌خان میرپنج فندرسکی مانع است. طرفین به اولیای دولت خود مدتها است شکایت می‌کنند. تا اینکه پولتیک اقتضانموده دو ماه قبل سردار افخم سالار اشرف رافرستاده مهدی‌خان میرپنج را به شهر آورده برای اسکات روسها در منزل خود نگاهداری کرده. دوازدهم ماه می‌خبر رسید دونفر رامیانی از حاج‌لر دوبار برنج حمل به رامیان می‌نمایند. گماشته کمیسر در خاندوز که ملک متنازع فیه طایفه هروی بوده و تصرف دارند، دونفر رامیانی [را] لخت کرده مال و برنج را ضبط ۲۷۷ می‌نمایند. رامیانیها شبانه رفته سه جفت گاوهای اتباع روس را از خاندوز گرو کرده بردند. محمود آقا سرهنگ آدم فرستاده دورأس گاو را می‌دهند. چهار گاو یگر را نگاه داشته عوض مال و بارهای برنج خوشان کمیسر چند سوار فرستاده با اهالی رامیان تراع می‌نمایند. یک رأس اسب سوارهای روسی تیر افتاده کمیسر به اسم چکشار به استرآباد تلگراف می‌کند صد نفر قزاق باتوپ به گنبد قابوس بروند. قونسول بر حسب تقاضای پولتیک سابقه با حکومت مذاکرات نموده طرفین صلاح دانستند در این مورد مهدی‌خان فندرسکی را به مصاحبت سالار اشرف و ساعد السلطنه و دونفر نماینده قونسولگری بارئیس قشون و صد نفر قزاق بادو عراده توپ به گنبد قابوس روانه نمایند که بین مهدی‌خان میرپنج را با کمیسر التیام داده اشرف رامیان را مجازات نمایند. اشخاص مذکور سیزدهم ماه مزبور از راه صحرای یموت به گنبد می‌روند. حین ورود رئیس قشون به نمایندگان حکومت اظهار می‌دارد که شما باید عمده بگیریید [و] به فاصله دو ساعت اهالی رامیان را خلع اسلحه نمائید. جواب نمایندگان [این بود که] به موجب دستور العمل قونسول و سردار افخم قرار است بین مهدی‌خان میرپنج را با کمیسر اصلاح نمائیم و می‌رویم. رئیس قشون می‌گوید قونسول نمی‌فهمد، اگر شما نمی‌توانید من خود بر حسب مأموریت نظامی اهالی رامیان را خلع اسلحه خواهم کرد. نمایندگان حکومت قرار شد صبحی را مراجعت نمایند. شب رادر کمیسیون ایران میهمان محمود آقا سرهنگ گردیده، مشارالیه در عوض پذیرائی و ضیافت به میهمان چهار ساعت از شب گذشته مست پابرهنه وهفت تیر در دست بیرون اطاق مهدی‌خان میرپنج را صدا می‌زند. امر به گرفتن مشارالیه [می‌کند] و چوب زیادی می‌زند. مهدی‌خان فریاد می‌کند که من میهمان شما هم هستم فحاشی و چوب را زیادتر بزنید. بعد امر نموده او را در طویله زنجیر و کنده ۲۷۸ می‌نمایند. در این وقت کمیسر وارد به منزل سرهنگ شده تبریک و «صاقل» ۲۷۹ می‌گویند. بعد از ساعتی سالار اشرف و ساعد السلطنه خواهش می‌نمایند سید بیچاره را از طویله بیرون آورده به کمیسیون روسها فرستاده حبس نمودند. صبح پانزدهم رئیس قشون با صد نفر قزاق به رامیان یورش آورده نمایندگان حکومت مراجعت نموده مطالب را به عرض سردار افخم و قونسول می‌رسانند. قونسول ظاهراً خیلی متغیر گردیده گفت من از کمیسر شکایت خواهم کرد. دوروز دیگر

۳۷۷- اصل: ظبت.

۳۷۸- (= کند).

۳۷۹- کلمه ترکی است که معمولاً «ساغور» تلفظ می‌شود.

مهدی‌خان را خواهید دید. جمعی از تجار و سادات ازدحام کرده چند نفر علمارا الحضار [کرده] کاغذی به سردار افخم نوشتند که اهالی استرآباد د کاکین رامی خواهند بیندند. برای این حرکت غیرقانونی اقدامات نمایند. ایالت جواب داده من وقونسول اقدامات خود را کرده‌ایم و باشماها همراهی داریم. چند طغرا تلگراف به مجلس و رئیس‌الوزراء از طرف ملت نمودند. نوزدهم ماه‌خبر رسید اهالی رامیان هم از اطراف ایلجاری خواسته جداً با روسها نزاع و دفاع نمایند. چند نفر قزاق روس مقتول و رامیانی مجروح [شده] رئیس قشون دوفرسخ عقب می‌رود. منتشر است این دوروزه هفتصد نفر سالداد از عشق‌آباد به استرآباد می‌آیند.

نمره ۱۵۵

۷ ماه جون رفت - ۱۹۱۵

درباب رامیان

به عرض رفته بود رئیس قشون روس برای جنگ به رامیان رفته است. چون مهدی‌خان در گنبد قابوس در حبس کمیسر بوده لهذا برای رؤسای رامیان پیغام می‌دهد که تسلیم باشند، بادولت روس نمی‌توانیم جنگ کرد و قتل سه نفر قزاق روس صحت نداشته فقط سه‌اسب قزاقها تیر افتاده بود. بعد از تسلیم شدن اهالی رامیان رئیس قشون روس با صد نفر قزاق به رامیان رفته محاصره می‌نماید که سارقین فرار نکنند و شش نفر از خوبان رامیان نزد رئیس قشون آمده اظهار داشتند که مقصرین شما کیانند؟ در ضمن ۲۸۰ سه نفر رعیت از جلو قشون روس به سمت جنگل فرار می‌نمایند. هر سه نفر را تیرزده مقتول و چهار نفر رؤسای رامیان را مغلول گرفته به شهر آوردند. در صورتیکه مهدی‌خان مذکور گنبد قابوس حبس است. به موجب اقتضای پولتیکای بین‌سردار وقونسول چهار شب مشارالیه در حبس کمیسیون بود. محمود آقا سرهنگ اسب و تفنگ اورا ضبط ۲۸۱ نموده روز بیست و چهارم ماه می باده نفر قزاق روسی مهدی‌خان فندرسکی را به شهر آورده تسلیم قونسول سابق می‌نمایند. قونسول هم فوراً به دیوانخانه فرستاده اظهار داشت که از من راضی شدید؟ فوراً ایالت یک ورقه رضایت‌نامه چه نوشته برای قونسول فرستادند.

درباب سرقت

جهانگیر مسیحی که پودارتچی قشون روس است گاوی برای قصابی خریداری نموده ترکمان ایلی شب بیست و هفتم ماه مذکور هفت رأس گاو را سرقت می‌نمایند. بعد از تحقیقات لازمه یک نفر غلام قونسول بادونفر قزاق به طایفه ایلی رفته آدینه‌گلدی

سارق را به شهر آورده حبس می نمایند. محمدخان ایلیغی گاوهای مسروقه را ضمانت کرده سارق را مرخص نمودند.

درباب کمیسر

روز بیست و هشتم ماه می مشارالیه بادرشکه به شهر آمده يك شب میهمان قونسول بوده مذاکرات خود را در باب مهدی خان فندرسکی نموده صبح زود مراجعت به گنبد نمودند. سردار افخم به امر قونسول مشارالیه را دیوانخانه حبس نظر نموده به این سبب امورات کمیسر در رامیان نفوذ پیدا کرده هرگونه اقدامات و تصرفات در اراضی فندرسک و رامیان خواهند نمود.

درباب تاجر بادکوبه

معزی الیه با پسر میرزا برکلی، آتا نام ساکن گموش تپه طرف دادو ستد بوده هزار منات به موجب قبض اتانام ترکمان در دست داشت به گموش تپه آمده مطالبه وجه را می نماید. اتا قبض را دریافت کرده بعد از دو روز دیگر منکر شد. تاجر بادکوبه به شهر آمده قونسلخانه عارض است.

درباب قزاقهای روس

سابقاً به عرض رسانیده بود دو بیست نفر قزاق روس به لباس سالدادی که بزرگ شده خاک سبیریا می باشند از مأموریت خراسان به قوچان آمده از آنجا به استرآباد مأمور شده، در صورتیکه دو ماه است از میزان خدمت آنها می گذرد. چون مدتی در خراسان توقف داشته عادت بر حرکات وحشیگری و اذیت خلق بوده، لهذا چندی است در استرآباد بنای شرارت را گذارده، شبها دسته بندی [کرده] مست در کوچه ها گردش [می کنند] و میل دارند نصف شب به خانه مردم ریخته به زنها دست تعدی دراز نمایند. اطراف دیوانخانه اهالی شهر از ترس تا صبح خواب ندارند. شب دویم ماه جون يك دسته از قزاقها به خانه اوانس مسیحی ریخته ساعت هفت از شب سه عدد پوطی عرق را برداشته بردند. ایضاً يك درب دکان در بازارچه نعلبندان شکافته يك پوط قند و بیست تومان وجه از دکان سرقت می نمایند. اوانس مسیحی با صاحب دکان خدمت قونسول عارض شده امر شد رئیس قشون رسیدگی نماید. رئیس قشون اولاً اوانس مسیحی را به دیوانخانه فرستاده حبس نمودند چرا عرق فروشی می نمایند. در صورتیکه وجه باندرل می دهد. صاحب دکان را استنطاق کرده که قزاق در میان دکان در ساعت نصف شب هر کس دیده شهادت بدهد. در صورتیکه همان روز قند را قزاق روسی در بازار آورده می خواست بفروشد. صاحب دکان از گرفتن آن عجز داشته و عارض شد. تاجه اقتضا کند.

درباب کارگذاری

معزز السلطان مدتی است به کارگذاری استرآباد آمده است، قونسول روس تاکنون

اورا نپذیرفته است. نا علاج از خدمت مرجوعه خود استعفا می دهد.

درباب حریق پنبه

ایضاً خبر رسید شصت و دو قون ۲۸۲ که هر يك دارای هزار پوط پنبه از محالات خراسان حمل باد کوبه شده بود وارد به تازه شهر موسوم به کراسنودسکی می شود. غفلتاً آتش گرفته تماماً سوخت. تاجر باد کوبه به استرآباد تلگراف نموده پنبه حمل نمایند. به فاصله سه روز قیمت پنبه که خیلی تنزل داشت ترقی کرده است. هفت پوط و نیم را در سی و پنج تومان می خرند.

درباب سرقت

شب چهارم ماه جون سه رأس مال از قریه نصرآباد سرقت می برند. معلوم شد سارق محمد حسین رعیت انجیرابی به کفشگیری برده به میرآخور امیراکرم عبدالحسین بيك داده به مازندران می فرستند.

درباب دعوت

شب پنجم ماه مذکور سردار افخم قونسول روس را باسر کرده های استرآبادی دعوت می نماید تا ساعت پنج از شب به سلامتی قونسول و فامیل او هورا، هورا ۲۸۲ می گفتند. روز پنجم سردار افخم سه ساعت به غروب درباغ گلبن بازدید قونسول می رود. ایضاً روز ششم سردار افخم به اتفاق سالار اشرف نایب الحکومه و نوید الممالک در کفشگیری میهمان امیراکرم بود. دو شب توقف داشته مراجعت خواهند کرد.

نمره ۱۶

۱۴ جون رفت - ۱۹۱۵

درباب تغییر بیگربیگی

آقامحمود بیگربیگی که امورات شهر چندی به مشارالیه واگذار بوده اسمعیل نام کدخدای سابق و داروغه بازار بوده دوست تومان وجه به لجاجت آقامحمود به ایالت تقدیم کرده کلاتری و داروغه گری را به مشارالیه واگذار نمودند.

درباب سرقت

شب نهم ماه جون دزد طایفه اتابائی سه رأس مال از قریه زنگی محله نیم فرسخی شهر به سرقت بردند.

۳۸۲ - (واگون).

۳۸۳ - اصل: حورا حورا.

درباب تجری ترکمانها

به سبب کسالت قشون روس در جنگ و انتشارات شکست دولت مزبوره طایفه ترکمان تجری ورزیده آشکارا مردم را لخت [می کنند] و اموال مردم را به سرقت می برند. روز مذکور دونفر ساکن شهر را بیرون دروازه لخت [کرده] و دوماال او را بردند.

درباب مسعود السلطان

کالانتیری کردمحلّه و بلوک سدن رستاق واگذار به مشارالیه می باشد. اهالی دهات به سبب تعدیات و اجحافات برادر مسعود السلطان منزجر [ند] و رنجش کلی دارند. یازدهم ماه مذکور یک نفر سوار مشارالیه را بیرون کردمحلّه چهارفرسخی مغربی تیر می زنند. ران غلام مزبور را تیر گرفته مشرف به موت است.

درباب مالیات فندرسک

به عرض رسانیده بود سردار افخم با روسها همدست گردیده مهدی خان فندرسکی را به گنبد قابوس فرستاده یک صاحب محترم استرآباد را ذلیل و خوار نموده که مالیات فندرسک و رامیان را اخذ نماید. مطلب واضح شد دوازدهم ماه جون عباسقلی خان پسر سردار افخم به اتفاق مهدی خان فندرسکی و یک نفر غلام قونسولگری به فندرسک رفتند، برای رفع کدورت کمیسر والتیام بین مهدی خان فندرسکی مدیر قونسولخانه به گنبد قابوس رفته است. افواهاً خبر رسید محمود آقا سرهنگ خود را پنهان نموده. تا چه اقتضا کند.

درباب ترقی تفنگ پنج تیره

بعد از مراجعت محمد علی میرزا تفنگ زیادی حمل به خیوق نمودند. تفنگهای برزنکه روسی را در استرآباد به قیمت نازلی خریده در محل مزبوره یکصد و پنجاه منات به فروش می رسید. چندی است تفنگهای پنج تیره روسی را در استرآباد یکصد و بیست تومان خریده در خیوق و تکه دو بیست تومان متجاوز می خرند. در این سه ساله تراکمه خیوق و تکه از بابت تفنگ استعداد قابلی به هم رسانیده مستغنی از آلات حرب می باشند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۱۷۵

۲۱ ماه جون رفت - ۱۹۱۵

درباب محمود آقا سرهنگ

مختصراً به عرض رفته بود از طرف سردار افخم عباسقلی خان سرتیپ به اتفاق مهدی

خان فندرسکی به فندرسک رفته، از آنجا به گنبد قابوس می‌روند. شانزدهم ماه جون محمودآقا را از راه روسیه بهرشت و روانه طهران نمودند. مراجعت بهرامیان نموده چون مهدی‌خان تعهد کرده چهارهزار تومان وجه برای جریمه رامیانی تسلیم عباسقلی خان نماید به سبب معزولی محمودآقا سرهنگ اعتنائی به حکم سردار افخم نکرده عباسقلی خان مراجعت نمودند.

درباب اسب دوانی

روز هیجدهم ماه جون اسب دوانی دوفرسخی جنب پل سیاه آب منعقد گردیده یدالله میرزا پسر امیراعظم با سایر سرکرده‌های استرآبادی برای اسب دوانی دعوت داشتند. يك ساعت ونیم به غروب بیست و يك رأس اسب دو دوره دوانیدند. دو اسب از قونسول جلو آمده، يك هزار و یکصد و پنجاه منات بیرق برداشت. مدعویین دو ساعت از شب گذشته مراجعت به شهر نمودند.

درباب عزل حکومت

شب بیستم ماه مذکور حاجی فخرالملک والی زاده کردستانی حکمران استرآباد به رئیس تلگرافخانه نویدالممالک اطلاع داده شما از طرف من موقتاً نایب الحکومه می‌باشید، سه چهار روز دیگر از طهران حرکت خواهم کرد. اعضای محکمه حقوق و علمایان تبریک گفتند. نویدالممالک امورات ولایتی را از طرف خود به ساعدالسلطنه واگذار کرده کما فی السابق مشغول به امورات محکمه حقوق می‌باشند. لکن سردار افخم می‌گوید هفده هزار تومان از دولت طلبکار هستم، تا طلب مرا دولت ندهند حرکت نمی‌کنم. تا چه اقتضا کند.

درباب کارگذار

به عرض رفته بود چون ایوانف قونسول سابق معززالسلطان را به کارگذاری استرآباد نپذیرفته معزی‌الیه لایبداً استعفا می‌دهد. وزیر امور خارجه استعفای او را قبول نکرده انتظار حرکت قونسول مزبور را به روسیه دارند که رسمیت به کارگذاری داده شود. تا چه اقتضا کند.

نمره ۱۸۵

۵ ماه جولای رفت - ۱۹۱۵

درباب حکومت

به عرض رفته بود حاج فخرالملک کردستانی به حکومت استرآباد تصویب شده است.

از قرار معلوم روسها به آمدن مشارالیه اجازه نداده استعفا می دهد. غلامحسین خان سردار افخم حاکم سابق چندی است دست و پامی کند مجدداً او را به حکومت برقرار نمایند. در ضمن امیراعظم هم مشغول کار است. از یک طرف با قونسول اظهار خصوصیت و دوستی را نموده مانع از حکومت نواب والا نشوند. در طهران هم مذاکره حکومت استرآباد را دارد. هرآینه تصویب نمایند قونسول روس هم جزئی رضایت پیدا نموده است. تا چه اقتضا کند.

درباب کارگذار

معزز السلطان تاکنون به کارگذاری پذیرفته نشده است. اعتصام الممالک کارگذار سابق به طهران رفته. از قراری که شهرت دارد مذاکره ریاست کمیسیون گنبد قابوس و کارگذاری استرآبادی را دارد. وزارت خارجه به مشارالیه وعده داده است. در صورتیکه تقدیمی هم در بین باشد امکان دارد.

درباب فروش باغ گلبن

به عرض رسانیده بود قونسول با امیراعظم مذاکره فروش باغ گلبن را نموده بودند. نواب والا رضایت نداشت. چندی است از پنجاه هزار منات کسر قیمت گذارده، سی و پنج هزار منات راضی شده است. لکن امیراعظم جواب داده هرآینه درباب حکومت استرآباد شما همراهی نمائید من به قیمت مذکور باغ گلبن را می خرم. در استرآباد جزئی علاقه به اسم شما یادگاری داشته باشم.

درباب قشون روس

بیست و نهم ماه جون دویست نفر قزاق از راه دریا وارد به قراسو [شده] از آنجا به گنبد قابوس با چند عرابه بارکش می روند. دویست و پنجاه نفر قشون سابق هم در استرآباد اقامت دارند. به سبب شرارت قزاقهای مذکور قونسول امر نموده بیست نفر آنها را در قونسلخانه حبس [کرده] و دوفنر را به روسیه فرستادند.

درباب ترقی جنس

اولاً پنبه چندی است ترقی نموده هفت پوط و نیم چهل و هشت تومان می خرند. ثانیاً برنج را یازده تومان و نیم می خرند. ثالثاً گندم امسال عمل نیامده است، چهل و پنج من تبریز را شش تومان می خرند. رابعاً جو به واسطه حمل به روسیه اول سال ترقی نموده باری سه تومان می خرند. اسکناس روسی دو ماه قبل تنزل داشت، چند روز است ترقی نموده. چهل و هشت تومان می خرند و حالیه تنزل کرده چهل و دو تومان اضافه نمودند.

نمره ۱۹

۲۶ ماه جولای رفت - ۱۹۱۵

درباب روسها

هفتم ماه جولای خبر رسید رعایای روسی که در قراء شیرنگ شش فرسخی ساکنند اکثر مریض و چند نفر آنها فوت شده‌اند. قزاقهای روسی [که] در باغ سپهداری ساکنند مریض شده، سه نفر آنها را به‌عشوراده برده معالجه نمایند.

درباب شرارت

شب یازدهم ماه مذکور پنج نفر قزاق مست بوده در بازار نعلبندان بدمستی و شرارت کرده، یک نفر کسبه را چوب زده مجروح می‌نمایند. مطالب را از یک طرف محکمه حقوق به قونسول اطلاع داده، یک نفر غلام فرستاده بعد از تحقیق سه نفر قزاق امر به حبس نمودند.

درباب سرقت

شب پانزدهم ماه جولای رضاخان تلفونچی به محکمه حقوق عارض شده است بعد از مغرب نود و پنج تومان وجه را با جعبه از منزل من برده‌اند. به توسط کدخدایان و داروغه مشغول تحقیقات می‌باشند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید سه فرسخی مشرقی قریه نوده ملک یک باب‌خانه را شکافته به قرب دو بیست تومان اجناس و تفنگ به سرقت بردند.

در باب حکومت

مدتی است سردار افخم معزول در کلاه‌فرنگی منزل دارد و انتظار هیجده هزار تومان حقوق است. از حاج فخرالملک حاکم جدید خبری نیست. کارگذاری هم استرآباد ندارد. فقط یک محکمه حقوق برای جلب نفع خود دایر [است و] رسیدگی به امورات اهالی کرده ماهی سیصد تومان از محکمه عایدی جمع نموده، نوید الممالک رئیس تلگرافخانه با ساعد السلطنه تقسیم می‌نمایند.

درباب سرقت

شب هیجدهم ماه مذکور مؤیدالوزاره رئیس پست به محکمه اظهار نموده هشتاد تومان تمبر، ده تومان پول سفید را از پستخانه به سرقت برده در مقام تحقیق برآمده، یک نفر سرباز قراول مرخص شده به هزار جریب می‌رفت. از سه فرسخی سرباز را مراجعت داده استنطاق نمودند اثری به‌ظهور نرسیده. سرباز را حبس نموده، کدخدایان در تفحص

وجوه مسروقه می‌باشند.

درباب سرقت

بیست و سیم ماه مذکور خبر رسید ترکمانهای گموش‌تپه بالتکا به‌قرب سی‌رأس گاو از شاه کله، دوفرسخی زیر اشرف‌کناره دریا سرقت کرده می‌بردند. اجزاء گمرک باخبرشده تعاقب می‌نمایند. دریا باد زیادی داشتند. ترکمانها فرار کرده گاوهارا بردند.

نمره ۲۵۵

پنجم ماه اگست رفت - ۱۹۱۵

درباب سرقت

شب بیست و هشتم ماه جولای پنج رأس گاو از محله میدان سرقت شده، سارق هادی‌نام قاجار است.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید در والش‌آباد یکصد و پنجاه تومان وجه از خانه غلامعلی‌نامی سرقت کرده به‌سبب عدم حکومت اموال منهبه... ۲۸۲

درباب روسها

مدتی است به‌سبب ایاب و ذهاب مسافرین آلمانی و اطیشیها از خط‌شاهرود برای تحریک سرحدات شمالی، روسها مترزل می‌باشند. سلخ ماه جولای میگردیج مسیحی اگنط شاهرود تلگرافاً به‌قونسول اطلاع می‌دهد که هیجده نفر اطیشی و آلمانی وارد شاهرود شده عزیمت مشهد دارند. دویم ماه اگست میرزاعلی‌اکبرخان معاون بایک‌نفر غلام و شصت‌نفر قزاق روسی با رئیس قشون حرکت نموده به‌شاهرود می‌روند که مسافرین رادستگیر کرده به‌استرآباد بیاورند. یک روز قبل از ورود قزاقها مسافرین مزبور حرکت کرده بودند، مجدد سی‌نفر هم قزاق به‌کمک از استرآباد فرستاده شد. لاکن روز پنجم ماه مذکور دست خالی مراجعت نمودند. امیراعظم باطناً با آلمانیها میل و همراهی داشت. چنانکه ۲۸۵ چندی قبل خبر رسید علی‌خان سیاه‌کوهی به‌ریاست یک‌نفر آلمانی و سی‌سوار از راه سمنان به‌شاهرود آمده بودند، بین راه تاخت‌وتازی کرده از سمنان تا شاهرود یک نفر آلمانی پنج هزار تومان مخارج سوارها کرده بود و تفنگ آنها تماماً آلمانی بوده. علی‌خان مذکور در خدمت امیراعظم می‌رود. پولتیک تقاضا کرده ۲۸۶ نواب والا، علی

۳۸۴ - دنباه مطلب یکی دو کلمه از لب کاغذ محو شده است.

۳۸۵ - اصل، چناناً (همه‌جا).

۳۸۶ - بجای «اقتضا دارد».

خان [را] توقیف و سی سوار اورا خلع اسلحه نموده يك نفر آلمانی هم حسب ظاهر فرار اختیار می کند. ایضاً به قونسول خبر رسید دو نفر آلمانی به لباس مبدل در گموش تپه آمده، روسها فوری میرزا جعفرخان منشی را با چهار نفر قزاق به صحرای یموت فرستاده چند روزی تفحص کرده اثری به ظهور نرسیده، مراجعت کردند. تاجه اقتضا کند.

درباب حکومت سابق

سردار افخم حکمران سابق بد زیارت خاسته رود بیلاق رفته و انتظار هیجده هزار تومان حقوق عقب افتاده می باشد. حاج فخرالملک حکومت جدید از مأموریت خود استعفا داده، استرآباد بکلی خالی مانده. شب و روز مردم مشغول دزدی و راهزنی [اند]. يك اندازه از ترس قونسول است که خون ریزی نمی شود. والادزدی خیلی شیوع دارد..

درباب بازی سیرک

ایضاً يك دسته که عبارت از دوازده نفر مرد و زن و کلیمی مذهبنده و تبعه روس می باشند از راه بندر جز و گموش تپه در استرآباد آمده اند، درباغ عباس خان مشغول ریسمان بازی و سه نمره بلیط دارند. نمره اول دوازده هزار - نمره ۲ يك تومان - نمره ۳ چهار هزار.

نمره ۲۱۵

۱۶ ماه اگست - ۱۹۱۵

درباب روسها

مدیر قونسلخانه بایک نفر غلام و دو قزاق ششم ماه اگست به سمت بار فروش می روند، تعاقب ۲۸۷ قونسول. میرزا جعفرخان باده نفر قزاق از راه قراسو رفتند.

درباب باغ گلبن

میرزا علی اکبرخان معاون و نماینده قونسلخانه که به اتفاق قشون روسی به شاهرود رفته بود از طرف قونسول و کالت داشته قریه باغ گلبن را پنجاه هزار منات که عبارت از بیست و پنج هزار تومان باشد به امیر اعظم می فروشد. نواب والا هم چون مدتی است به خیال حکومت استرآباد بوده و علاقه شخصی تهیه نماید محض تسلی دل روسها که از نواب معظم همراهی و مساعدتی برای آمدن استرآباد نمایند مجبور شد باغ گلبن را به قیمت مذکوره بخرند. پانزده هزار منات نقد تسلیم کرده، پانزده هزار منات حواله بانک بندر جز نموده، بیست هزار منات هم سند سپرده است.

درباب قتل ملاقاسم کتولی

آخوند ملاقاسم کتولی که باعث قتل مفاخرالملک و غارت هفتصد هزار تومان اموال آنها بوده در قراء کتول علی‌الرسم در ماه مبارک روضه‌می‌خواند، مراجعت از بالاجلین به تحریک آقاخان امیرامجد دونفر پسران حاجی ملاعلی کتولی در جنگل ملاقاسم را دستگیر کرده با سنگ تمام بدنش را کوبیده، چشمش را بیرون آورده، دندانهایش را با سنگ خورد می‌نمایند. هشتم ماه‌اگست نعش مقتول را به شهر آورده دفن نمودند. طایفه ملاقاسم ازدحام کرده به دستورالعمل قلی‌خان هفده باب خانه‌کسان قاتل را تاراج و منهدم کرده، هزاروپانصد رأس گوسفند، سه‌چهار هزار تومان از اجناس و نقدینه به غارت بردند. ساعدالسلطنه رئیس محکمه دونفر برادرهای قاتل‌را که یکی شیخ‌حسین و دیگری نعمت‌باشند گرفته حبس می‌نمایند. مختار قاتل راهم قلی‌خان دستگیر [کرده] انواع و اقسام صدمه به‌اوزده داغ کردند. تخم او را مثل گاو برگردانیدند، بعد به شهر فرستادند. شاهزاده منصورالسلطان رئیس توپخانه اسمی با چند نفر توپچی برای تحقیقات مقدمه به کتول رفتند.

درباب روسها

به سبب اغتشاش اطراف خراسان و حمل قشون روس یازدهم ماه اگست رئیس قشون بابیست نفر قزاق از راه گنبد قابوس به مأموریت خراسان می‌روند. لکن چندی است قونسول و سایر صاحب‌منصبان روس در استراباد متوحش [اند] و حال خوشی ندارند.

در باب بندر جز

ضیاءالممالک از طرف حکومت استراباد به عنوان حکومت بندر جز تصویب شده، تلگرافاً ورود خود را از بندر جز به نویدالممالک نایب‌الحکومه اطلاع داده است.

درباب سرقت

شب دوازدهم ماه اگست اجزاء قونسول سابق درباغ گلین چند پارچه اسباب‌متعلق به مشارالیه بود به سرقت می‌برند. آنچه تفحص کرده اثری از سارق نیست. اسباب مسروقه به قرار ذیل است: تفنگ برزنکه یک قبضه ۲۸۸ - سوار ورشو یک عدد - حوله بزرگ سه‌دانه - رخوت متعلق به خانم قونسول سه دست.

درباب نقصان بانک

تجار کردمحل و اتران تخمیناً سیصد هزار تومان پول سفید در بانک بندر جز به رسم امانت گذارده بودند به سبب لغزش روسها و تنزل اسکناس صاحبان پول توحشاً ۲۸۹

پولهای خود را از بانک مطالبه می نمایند.

نمره ۲۲۵

۲۶ اگست رفت - ۱۹۱۵

درباب روسها

هفدهم ماه اگست خبر رسید کموسر درقاری قلمه که متعلق است به روسها آنچه اسب و یابو بوده جمع می کنند. دم مالهای مزبوره را از کمر بریده و به روسیه فرستادند.

درباب سرقت

شب هیجدهم يك رأس مادیان ترکمان که یکصد تومان قیمت داشت از توی شهر به سرقت برده اند.

درباب حکومت

به عرض رفته بود امیر اعظم برای مفتاح حکومت استرآباد مجبوراً قریه باغ گلبن را مبلغ پنجاه هزار منات از قونسول خریده نصف را به توسط میرزا علی اکبرخان فرستاده، نصف را حواله بانک بندرجز نموده از قراری که از شاهرود نوشته اند حکومت استرآباد را به نواب والا واگذار [کرده اند] لکن رسمی نشده است.

درباب قشون روس

عجالتاً ۲۹۵ شصت نفر قشون روس بادویست اسب در استرآباد در اتر ۲۹۱ اقامت دارند، آن هم اکثر مریض لکن این عده اشخاص که قزاق هستند مقصرین سیبری بوده، بعضی هفتاد ساله، بعضی چهل ساله، ایرانی، قفقازی، کلیمی - همه نوع مذهب دارند و يك نفر آنها نظامی نمی باشد.

درباب انتشار

قونسول سابق به چند نفر اجزاء خود اظهار داشته انتشار بدهند که شش هزار نفر قشون روس مأمور است از گموش تپه الی خاک تنکابن را ساخلو باشند. از قرار معلوم این خبر پولتیکی باید باشد.

درباب قونسول

مشارالیه پولهای باغ گلبن را از امیراعظم تماماً گرفت و مشغول دادن قروض و انجام امورات خود می‌باشد. از قرار مذکور هفته آینده خانم خود را [روانه] می‌نمایند و خودشان هم دو هفته دیگر می‌روند.

درباب برنج

در فصل زمستان شلتوك و برنج خیلی تنزل داشت. چهل روز است که ترقی فوق‌العاده نموده روزی سی بار برنج به سمت کرم‌حله و اتران حمل [می‌شود]. قیمت برنج باری شانزده تومان، يك من تبریز را هشت هزار می‌فروشد. در حکومت علاءالدوله برنج به این قیمت رسیده بود. لکن به فقرا بسیار سخت نمی‌گذرد.

درباب خبر تازه

بیست و پنجم ماه اگست يك نفر از موثقین اظهار داشته آلمانیها بطروگراد را فتح و محاصره کرده‌اند. روسها در استراباد خیلی ملول و افسرده حال هستند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۲۳

۲ ماه سپتمبر رفت - ۱۹۱۵

درباب جز

شب بیست و هفتم ماه اگست نویدالممالک رئیس تلگرافخانه اظهار داشت دو نفر سیاح انگلیسی وارد بندر جز گردیده قرار است از طهران برای آنها حواله نمایند.

درباب خیال

معززالسلطان کارگذار استراباد را قونسول پذیرفته، تاکنون بر حسب وظیفه ۲۹۲ مأموریت توقف دارد. از بیکاری چند شب به اتفاق میرزا علی اکبر خان ایروانی گماشته پاتایف به زیارت خاسته‌رود می‌روند. شبها برای سرگرمی قمار می‌کردند. به قونسول خبر دادند مشارالیه تراکمه جعفر بائی را محرك است بلوانمایند. بیست و هشتم ماه مذکور چند نفر قزاق بایک نفر صاحب‌منصب برای تفتیش و بیرون کردن مشارالیه به زیارت می‌روند. اتفاقاً کارگذار دو روز قبل به شهر آمده بود و قونسول نمی‌دانست. سردار افخم حکومت سابق در آنجا بود. از صاحب‌منصب روسی پذیرائی نمود و مساعدتی با کارگذار می‌نمایند.

درباب کمیسیون

سلخ ماه اگست خبر رسید کمیسر رئیس کمیسیون روس معزول شده، يك هفته قبل اسباب شخصی راهمراه خود به حسینقلی آورده، عیالش در آنجا بود. مشارالیه را با اسباب روانه پطرگراډ نموده خود مراجعت به نیلی کوه چهار فرسخی گنبد می نماید. بقیه امورات رارسیدگی کرده بروند و عوض اورا هم از طرف قونسولگری معین خواهند کرد. تا چه اقتضا کند.

درباب قتل

يك نفر شاهرودی بایك نفر رامیانی کسب تجارت داشتند، از گنبد قابوس بار حمل به رامیان [کرده] از آنجا به گنبد حمل می کردند. بعد از انفصال کمیسر روسها محرك شده تراکمه قجق این دو نفر را بین راه به قتل رسانیده یکصد و هشتاد تومان وجه با اجناس به غارت می برند. اهالی رامیان بعد از دو روز با خبر شده برای نعش مقتولین می روند يك نفر رامیانی را پیدا کرده، مقتول شاهرودی ناپدید است. طایفه قجق چند نفر پیر مردان خود را به رامیان فرستاده اظهار داشتند قتل این دو نفر با طایفه قجق نمی باشد شمار اساکت می کنیم که به تحریک دیگری [بوده]. لذا رفع اتهام قتل را از خود نموده اند، تا چه شود.

درباب توحش ۲۹۲

مدتی است قونسول با اجزاء متوحش [بوده] از ترس صاحب منصبان قزاق را شبها به قونسلخانه آورده، اطراف قونسلخانه را قراول می گذارد. مبادا جاسوسان آلمانی به همدستی تراکمه صدمه برای آنها فراهم نمایند. چنانکه به قونسول خبر رسید که چهارده جاسوس آلمانی به لباس مبدل از راه مازندران به استرآباد می آیند، دوشب دروازه استرآباد را قراول گذارده در صحرا قزاق فرستاده مشغول تفتیش می باشند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۲۴۵

۲۳ سپتمبر رفت - ۱۹۱۵

درباب روسها

به امر رئیس قشون قفقاز بقیه مالقانیها اتباع روسی که در شمالی قریه کرد محله قراء شیرنگ بودند تماماً را برای جنگ احضار کرده رفتند.

درباب برنج

تجار مسیحی از بندر جز به ملاکین استرآباد نوشته اند که پانصد هزار پوط برنج

وشالی خریداری نمایند. در صورتیکه اول محصول برنج است. از اطراف شهر دست فروشها و ترکمانها برنج خریداری نموده باری دوازده تومان می‌خرند. لکن از گفته قونسول سابق تا سه ماه دیگر برنج برای رفتن به خاک روس ترقی دارند. بعد از فتح بندر داندان و افتتاح راه هندوستان برنج و غله زیاد حمل به روسیه خواهد شد.

درباب اظهارات قونسول

چون مدتی است انتشار دارد آلمانیها اهالی استرآباد را محرك [شده] بر حسب ظاهر عموم استرآبادی هم پارتی آلمانی شده در هر مجلس و محافلی بدگوئی نسبت به دولت روس و انگلیس می‌نمایند قونسول ساعدالسلطنه رئیس محکمه را بانویدالممالک نایب‌الحکومه دوازدهم ماه دسمبر احضار کرده به ایشان می‌گوید اگرچه دولت انگلیس و روس تا به حال با دولت ایران مساعدت داشته و دارند لکن معلوم است که رؤسای مملکت زحمات ما را منظور ندارند و رسماً به شما می‌گویم هر اقدامی که از طرف ملت نسبت به مأمورین خارجه بشود شماها مسئول خواهید بود. ایضاً پانزدهم ماه مذکور ساعدالسلطنه بانویدالممالک به قونسولخانه می‌روند، از همراهی و اقدامات قونسول سابق برای امنیت استرآباد اظهار امتنان و تشکر زیاد نموده خود را از ریاست محکمه خلع کرده یوم شانزدهم به سمت دهات ملک برای رسیدگی امورات شخصی رفتند. تا چه اقتضا کند.

درباب دلتنگی خانم قونسول

دوماه قبل خانم قونسول برای رفتن روسیه دلتنگ شده قونسول برای علاقه باغ گلبن تسامح می‌کرد، یوم مذکور شش رأس اسبهای مخصوص خود را بادونفر قزاق از راه تاشکند به قفقاز فرستاده و خانم خود را به روسیه روانه کردند و شخصاً منتظر ورود اسبها می‌باشند که خودشان هم حرکت نمایند. تا چه شود.

درباب سرقت

چندی است تراکمه خیال نمودند که امنیت روسها برداشته شده و قونسول هم اعتنائی نمی‌کرد. به سبب انتشار ورود آلمانیها و تظلم اهالی استرآباد برای سرقت اموال خود قونسول امر نموده به قرب سی نفر ترکمان سارق از جعفربائی و اتابائی و طایفه ایلغی و داز را به شهر آورده حبس نمودند.

درباب مأموریت قونسول

بیست و دویم ماه سپتمبر ایوانف قونسول سابق اظهار داشت احتمال می‌برد يك ماه دیگر به مأموریت بندر بوشهر بروم.

درباب سارق

به قرب پانزده نفر گاو دزدهای ولایتی رانویدالممالک دستگیر کرده عوض جریمه

آنهارا امر نموده يك هفته كوچه‌های شهر را آب جاروب کرده نفری ده تومان گرفته مرخص نمودند.

نمره ۲۵

۴ ماه اکتبر رفت - ۱۹۱۵

درباب روسها

بیست و چهارم ماه سپتمبر قونسول بادونفر غلام در شهرگردش و تفحص چند باب خانه برای صاحب‌منصبان روسی می‌نمایند. اهالی شهر مترلزل شده چند نفر تجار را خدمت قونسول فرستاده [و گفته‌اند] توی شهر گنجایش و خانه فوق‌العاده ندارد. قونسول چند خانه خوبی را اظهار داشته کلید نمایند. بعد از دو روز و مذاکرات زیاد همان ارگ دولتی را که سال قبل تعمیر شده بود بازدید نموده هزار و هشتصد تومان تعمیر کرده قشون روس در آنجا اقامت نمایند.

درباب قتل امیر اعظم

شب غره ماه اکتبر تلگرافاً خبر رسید امیر اعظم را کشتند. تفصیل قتل نواب والا در سه سال بعد از رفتن از استرآباد به دامغان به سبب سوءظن که از آقاخان صولت لشکر تفنگدارباشی خود داشت به عنوان شکار می‌رود. شخصاً با تفنگ شکاری آقاخان را تیر زده مقتول [ساخته] فوراً به زمین آمده اظهار تأسف نمود که تیر برای شکار خالی کردم و خطارفت. اسمعیل خان ملقب شجاع نظام برادر آقاخان که در تیراندازی خیلی قابل است از اجزاء نواب والا بوده و کراراً این مطلب را نوکرهای دیگر اظهار می‌دشتند که مشارالیه در کمین است. لکن امیر اعظم می‌گفت اسمعیل خان با کفایت و محل وثوق من است. اورا دوست می‌دارم و تمام امورات شخصی تحویل‌داری و اصطبل و غیره واگذار به مشارالیه بوده است. درین موقع نواب والا برای سرکشی مستغلات ۲۹۲ به سمت سمنان حرکت می‌کند. در آهوان هم مشغول بنائی بوده از دامغان به عباس‌آباد می‌رود - که از مستغلات مستوفی الممالک است - با املاک طهران معاوضه کرده بود، جای خیلی قشنگی ساخته توقف می‌کند. بعد از صرف شام می‌خواهد. اسمعیل خان شجاع نظام به اتفاق حسین خان برادرش و ارازوردی ترکمان که حکومت اول استرآباد اورا از جعفربائی به عنوان چابک‌سواری گرفته و خیلی مهربانی به ترکمان مذکور می‌کرد همدست شده، سه ساعت قبل از صبح اسمعیل خان توی خواب يك تیر با تفنگ چهارپاره به صورتش می‌زند. نواب والا حرکت به سمت مشارالیه کرده، ارازوردی با سه تیر به گوشش می‌زند

[و] فرار می‌نماید. يك نفر از اجزاء فریاد کرده اورا هم با موزر ۲۹۵ می‌زنند. سواراسب شده رفتند. بعد از قتل نواب والا اگنط شاهرود تلگراف به قونسول نموده شاید قاتلین به سمت استرآباد و یموت آمده باشند، دوستانه جلوگیری شود. قونسول رفتن خود را تأخیر انداخته، دونفر غلام با چند نفر قزاق به سمت کتول و فندرسک فرستاده مواظب باشند. هر آینه به سمت استرآباد آمده ایشان را بگیرند. تاکنون خبری نرسیده. تاجه اقتضا کند.

درباب حکومت

از قرار معلوم تأخیر حرکت حکمران به ملاحظه امیر اعظم بوده بعد از قبل نواب والا حاجی فخر الملک تلگراف نموده که یوم بیست و دویم ذی قعدة از راه مازندران حرکت می‌کنم.

نمره ۲۶۵

۱۴ ماه اکتبر رفت - ۱۹۱۵

درباب نزاع

پنجم ماه اکتبر از فندرسک خبر رسید بین رعایای حاجلر نزاعی اتفاق افتاده يك نفر مقتول شد. مهدی خان میر پنجه قاتل را دستگیر نموده سیصد تومان گرفته رهانمودند.

درباب قتل

ایضاً خبر رسید يك نفر ترکمان طایفه قجق که سابقاً چند نفر رامیانی را به قتل رسانیده بود به طمع گرفتن شلتوک از مهدی خان میر پنجه به رامیانی می‌رود. مراجعت به سمت او به دونفر رامیانی ترکمان مزبور را تیرزده نعش او را به او به رسانیدند. مهدی خان میر پنجه قاتل را دستگیر کرده پنجاه تومان جریمه [کرده] و مرخص می‌نمایند.

در حکم قانونی قونسول

گریگریف قونسول قراردادی برای ترکمانهای سارق داده: اولاً دو هفته قبل به عرض رفته بود چند نفر تراکمه سارق را به شهر آورده حبس نمودند. پیر مردان جعفر بائی و اتابائی و ایلغی و داز برای مرخصی سارقین خدمت قونسول آمده توسط نمودند. برای هر طایفه يك رئیس معین نموده سیصد تومان از آنها الترامی گرفته هر يك طایفه سرقتی نمایند آن شخص سارق را دستگیر کرده تسلیم قونسول نمایند. هر آینه از گرفتن سارق عجز داشته باشند سیصد تومان وجه الترام را بدهند. لاکن در مأموریت قونسول سابق

این قاعده باعث اغتشاش و توهین دولت روس بوده چون اگنط قونسولگری و غلامهای مزبوره از تراکمه تبعه ایران به عنوان جرم و تقدیمی دخل فوق العاده داشتند لهذا گریگراف* این اتهام را از میان برداشته برای هر طایفه خانی برقرار کرده، هر يك را ماهی چهل منات حقوق معین نموده مشغول خدمتگزاری باشند. لکن این پولتیک تمام تراکمه راساكت [کرده] و در تحت حمایت خود در آورده و بارگرانی به دوش خواهند گذاشت.

درباب قاتلین امیر اعظم

بعد از قتل نواب والا در يك فرسخی دامغان اسمعیل خان و آرازوردی با حسین خان فرار می نمایند. نفس نام ترکمان جعفر بائی با جنگ خان دویچی هم در آنجا بودند ار ترس اسبهای خود را سوار شده فرار می نمایند. قاتلین برگشته سه تیر تفنگ برای ترکمانها خالی کرده، يك تیر به اسب نفس نام وارد [کرده] دو تیر هم به اسب او گرفته، بعد از شناختن تراکمه را با خود ملحق کرده، يك فرسخی دامغان به دهات خود وارد شده با کمال دلگرمی و رشادت اظهار داشتند هر کسی میل جنگ دارد حاضریم. روز دیگر عسکر خان صولت لشکر با پنجاه سوار برای دستگیری ایشان می رود. اسمعیل خان از توی قلعه دو اسب آنها را تیرزده فرار کردند. نواب مرحوم قبل از فوت در شاهرود يك مقبره بسیار قشنگ عالی برای خود ساخته بود. نعش او را بادرشکه به شاهرود می آورند. بعد از شستشو و غسل در عماری گذارده سه ساعت در شاهرود گردش داده به احترام زیبای در مقبره خودش دفن نمودند. «کار بد نیکو نگردد چونکه بنیادش بد است.»

درباب قتل

قریه شیرنگ شش فرسخی مشرقی است در اجاره باران فون صمصام تاجر روس می باشد، يك نفر رعایای شیرنگ شبانه يك رأس گوسفند ترکمان را سرقت می نماید، چوپان را تفنگ زده مقتول شد. فون صمصام به قونسول عارض شده تراکمه داز را قونسول احضار [کرده] امر نمود دویست تومان به ورثه مقتول بدهند. بعد از [] روز جمعی از پیرمردهای طایفه داز خدمت قونسول آمده شهادت دادند که رعیت شیرنگ گوسفند سرقت کرده مقتول شد. قونسول مجدداً امر نمود چون برای سرقت رفته بود خونی ندارد. تراکمه خوشحال شده مراجعت نمودند.

درباب حرکت سردار افخم

معظم الیه تاکنون در استرآباد توقف نموده سردار افخم مایوسانه روز سیزدهم به سمت طهران رفتند.

* به دو صورت گریگراف و گریگراف نوشته و هر دو صورت ضبط شد.

نمره ۲۷۵

۴ ماه نوامبر رفت - ۱۹۱۵

درباب امیر اعظم

پاتردهم ماه اکتبر خبر رسید قاتلین نواب والا از راه جندق به کویبر حوض سلطان به سمت کرمان ۲۹۶ رفتند. علاقه نواب والا از امیریه دوفرسخی شاهرود برکنده شده شاهرود در سرچشمه که محل دفن نواب والا می باشد منزل نمودند.

درباب حکمران

حاج فخرالملک روز مذکور از کردمحلده چهارفرسخی مغربی حرکت نموده دو ساعت به غروب نزدیکی دروازه شهر منشی قونسول گری با یدک استقبال نموده وارد به دیوانخانه گردیده پاترده تیر توپ شلیک شد. بامنشی قونسول مهربانی زیادی [کرده] یک ساعت ونیم صحبت از مسافرت در خاک روسیه و میهمان نوازی روسها نمودند. جزئی هم توصیف از قونسول انگلیس مقیم بوشهر و اظهار امتنان و دوستی خالصانه می کردند. ظاهراً آدم خلیق است. لکن بر حسب رسومات سابقه و ترتیبات حکومتی اجزاء شخصی چماقدار و کفش بردار و قاپوچی و غیره و غیره همراه دارند.

درباب روسها

بهموجب خبری که از بادکوبه رسیده و [در] روزنامه ها مندرج است در این چند روز قبل سکتته بزرگی به قشون روس وارد شده است. چند نفر ارمنی تبعه ساکن استرآباد را مجبوراً به جنگ می برند. لکن دونفر ارمنی هر یک دو بیست منات به قونسول داده مرخص شدند. معلوم است قونسول و سایر روسها خیلی بی دماغ از این جنگ شده حالتی ندارند و خیلی ساکت [شده] چندان به امورات دولتی هم چسبندگی ندارند. اسکناس قنزل نموده صدی بیست و هشت تومان زیاده نمی خرند.

درباب ایالت

بیست و دویم ماه اکتبر عموم تجار استرآباد را به دیوانخانه احضار نموده قراری برای دایر کردن انجمن حقوق گذاشته شود. رئیس کابینه همراه خود آورده است. تجار تصویب نمودند اشخاصی که سابق در انجمن حقوق بوده و حالیه همان اشخاص مشغول کارباشند، بعضی رأی دادند بعد از محرم انجمن را دایر نمایند. حاج فخرالملک راضی نشده قرار داده شد روز بیست و هشتم ماه اکتبر که عید غدیر ۲۹۷ است افتتاح محکمه

۳۹۷- اصل: قدیر.

۳۹۶- این دو محل از نظر جغرافیائی در دوسوی مخالف جندق است.

بشود. تاجه اقتضا کند.

درباب نزاع

روز بیست و چهارم ماه مذکور چهار نفر قزاق روس چهار بطر عرق خسریده می‌خورند. مست نموده داخل بازارچه نعلبندان می‌شوند. به هر کسی می‌رسند چوب‌زده بدمستی می‌نمایند. اهالی بازارچه داکین را بسته قزاقها را کتک و افری می‌زنند. بعد دیوانخانه رفته عارض شدند. از طرف قونسول و حکومت تحقیقات نمودند. حکم شد چهار نفر قزاق را چهل و پنج روز حبس نمایند و نایب حبیب فراش هم چون داخل نزاع بوده حبس و مجازات بشود. به عرق فروشها قدغن نمودند که عرق به قزاقها ن فروشند.

نمره ۲۸۵

۱۵ ماه نوامبر رفت - ۱۹۱۵

درباب مجازات

به عرض رفته بود قزاقهای روسی در بازار بدمستی نمودند. بعد از تحقیقات به قونسول اعلام شد قزاقها تقصیری داشتند. چون بعضی خودسرانه قزاقها را چوب زده‌اند. لذا قونسول امر نمود نایب حبیب فراش با عباس نجار مجازات و حبس بشوند. بعد از دو روز حبس مجدداً امر شد نایب حبیب را با عباس نام نجار در بازار چوب بزنند، حاج فخرالملک خواست طفره بدهد قونسول را پیغام داده من نایب حبیب را فرستادم خودتان چوب بزنید. قونسول جواب داده رسماً باید در بازار چوب بخورند. نا علاج نایب فراشخانه حکومتی را با عباس نجار جلو مسجد جامع برده چوب مفصلی زدند و این مقدمه [که] در اول ورود حکومت رخ داده اهالی را مأیوس و قدرت حکومتی کاسته شد. تاجه شود.

درباب کلانتری

بلوک سدن رستاق طرف مغربی استراباد واقع و کلانتری سدن رستاق هم تاکنون از خوانین کرد محله بوده‌اند. لاکن بلوک اتران بین کرد محله و گلوگاه واقع شده، هر يك کلانتر علی حده دارد. علی‌الرسم از طرف حکومت دو نفر کلانتر معین شده یکی برای سدن رستاق و کرد محله، یکی برای اتران توابع. حاج فخرالملک شب را در نوکنده وارد به آقا بزرگ خان کلانتر اتران می‌شود. کلانتری به مشارالیه وعده داده حکم رادر شهر بدهد. حیدرقلی خان مسعود السلطان به نوید الممالک رئیس تلگرافخانه متشکی گردیده دو بیست و پنجاه تومان تقدیم کرده، حاج فخرالملک حکم کلانتری سدن رستاق و بلوک اتران توابع را به مشارالیه تفویض نمودند. خوانین اتران از عهد فتحعلی شاه

تاکنون در نوکنده، کلاتر بوده و تیول داشتند. ایالت جمعی خوانین انزان را محروم نمودند.

درباب آلمانی پرستها

میرزا عبدالله خان رئیس پستخانه با رئیس پست بندر و چند نفر دیگر چندی است انجمن دارند. از طهران هم به ایشان دستورالعمل می‌رسد که بر علیه روس رفتار نمایند. قونسول روس از حالات ایشان اطلاع کاملی دارند. تاچه شود.

بقیه نمره ۲۷

شب ششم ماه نوامبر دزد طایفه اتابائی دو رأس مال از قریه جالین دوفرسخی مشرقی به سرقت برند.

درباب بارفروش

ایضاً کتباً خبر رسید هفتاد نفر ژاندارم از طهران وارد بارفروش شده سیصد نفر دیگر هم خواهند آمد. عدلیه و نظمی و احتسابیه و بلدی و غیره تماماً دایر. لکن چند نفر آلمانی هم به لباس ژاندارم داخل هستند و احتمال اغتشاش در بارفروش دارد. لکن از روسها سخنی نیست. سالداد و قزاق که برده بودند تاکنون عودت نداده. هر آینه حرکت خارج از قاعده از بارفروش بروز کند بعید نیست فوراً قشونی وارد نمایند و این عده ژاندارم را بیرون کنند. میرزا جعفر خان منشی با یک نفر غلام بیست روز است به مازندران رفته و اتصالاً راپرت به قونسول داده می‌شود. تاچه اقتضا کند.

درباب قتل

شب نهم ماه نوامبر سه نفر ترکمان اتابائی به قریه محمدآباد یک فرسخی شمالی دزدی می‌روند. قبل از آنها سلطان قلی نام ترکمان از طایفه مذکور به سرقت رفته بود به خیال اهل قریه نموده یک نفر از تراکمه تیرزده مقتول شد. کسان مقتول به قونسول عارض شده یک نفر غلام بادوقزاق فرستاده سلطان قلی را آورده حبس نمودند. بعد از چندی کموسر توسط کرده مرخص نمودند.

درباب ورود میر پنجه روس

یک نفر صاحب منصب که درجه میر پنجه دارد به استرآباد وارد شده چهار هزار ذرع زمین در بیرون دروازه جنوب شهر بازدید نموده برای سربازخانه. لکن صاحبان زمین می‌گویند ملک وقف است به فروش نمی‌رسد. تاچه اقتضا کند.

نمره ۲۹

۲۹ ماه نوامبر رفت - ۱۹۱۵

درباب روسها

هفدهم ماه نوامبر به سبب خبر تلگرافی برای جلوگیری آلمانها محمدخان غلام بایست نفر قزاق به شاهرود می روند، بعد از دوسه روز دونفر کرمی بایک نفر عثمانی هریک با تفنگ پنج تیره آلمانی و موزر ۲۹۸ و هفت تیره و لباسهای پاکیزه به انضمام چند نفر سوار ایرانی وارد شاهرود می شوند، غلام قونسول با قزاقها جلو رفته، دونفر کرمی با شخص عثمانی با تفنگ حمله نمودند. قزاقهای روسی بیست نفر بودند. تماماً فرار کرده به خانه می روند. پسر امیر اعظم مطلع شده امر نمود سه نفر مسافر رامی گیرند. تلگرافاً به قونسول خبر دادند فوراً پنجاه و هفت سوار قزاق بادو صاحب منصب به شاهرود می فرستد. پسر امیر اعظم دونفر کرمی را بایک نفر عثمانی تسلیم گماشته قونسول نموده به استرآباد می روند. بین راه محمدنام با صاحب منصب روس مصادف شده سه نفر اسیر را به ایشان واگذار کرده حسب الامر قونسول شمت نفر قزاق مراجعت به شاهرود می نمایند شاید از مسافرین آلمانی به دست بیاورند. صاحب منصب روس بین راه باشپردهای ۲۹۹ دونفر کرمی را گرفته پاره می نمایند. به استرآباد آورده در قونسولخانه محبوسند. تا چه اقتضا کند.

درباره کارگذار جدید

روز بیستم ماه مذکور ممتحن الملك کارگذار قوچان به مأموریت استرآباد وارد [شده] قونسول از مشارالیه پذیرائی ۲۰۰ نموده بین ایشان دید و بازدید گردیده عجالاً پذیرفته ۲۰۱ شده است.

درباب فروش

روز بیست و چهارم ماه نوامبر جار کشیدند در منزل میرزا علی اکبرخان منشی قونسول روس اسباب حراج است. قونسول سابق به قرب دوهزار و سیصد تومان در مدت سه یوم اسباب حراج ۲۰۲ کرده به قیمت گزافی مردم خریدند.

درباب کارگذار سابق

روز بیست و ششم ماه مذکور معزز السلطان کارگذار سابق قبل از اذان صبح از

۳۹۸ - اصل: موزر.

۳۹۹ - (= پاسپورت).

۴۰۰ - اصل: پذیرائی.

۴۰۱ - اصل: پذیرفته.

۴۰۲ - اصل: هراج.

راه شاهرود عزیمت به طهران نمودند.

درباب سرقت

شب بیست و هشتم ماه نوامبر دزد طایفه یموت ده رأس گاو از توی شهر را سرقت نموده بردند.

درباب اجزاء ایالت

حاج فخرالملك حاکم - عباسقلی خان پسر حاکم - میرزاعلی خان انتظام الملك
نایب الحکومه و رئیس محکمه - فهیم الملك رئیس کابینه - لواءالدوله رئیس قشون -
میرزاعلی خان تفنگدارباشی با دونفر تفنگدار - عباسقلی خان آبدارباشی - پیشخدمت
دونفر - یساول یک نفر - کفش بردار یک نفر - نایب فراشخانه سه نفرند.

نمره ۳۵۵

۹ ماه دسمبر رفت - ۱۹۱۵

درباب نواقل استرآباد

چندی قبل وزارت داخله شرحی درباب نواقل به حاج فخرالملك نوشته بودند که عایدات را بعداز دایر شدن نصف مخارج بلدی و حقوق اجزاء نمایند، نصف عایدی را از نواقل به مرکز بفرستند. لکن ترتیب نواقل باین خرابی کوچه‌های شهر و انهدام برج و بارو با مخارجات قشون فوق‌العاده که در شهر لازم است نصف عایدات کفایت نمی‌کند. در صورتیکه اهالی استرآباد ابدأ اینگونه باج و صادرات رانداده دایر شدن نواقل قوه قهریه لازم است. تاچندی مردم مطالب را مستحضر شده باشند، اولیای دولت علیه از گرفتن نصف عایدات هم باید اغماض و مدنظر نماید تا عمل نواقل منظم بشود.

درباب سرقت

شب سیم ماه دسمبر دزد طایفه اتابائی دو رأس گاو، یک رأس مال از محله سرپیر به سرقت بردند.

درباب قتل

به عرض رفته بود حاج فخرالملك کلاتری بلوک اتران را به سبب گرفتن دو بیست و پنج تومن واگذار مسعودالسلطان نموده و خوانین اتران بی‌میل هستند. صفی‌الله‌نام از طرف مسعودالسلطان به لیوان هشتیکه رفته مباشر بود. شب چهارم ماه مذکور خبر رسید به تحریک خوانین اتران مشارالیه را مفقودالاثرا نموده‌اند. حسب الامر ایالت محمدکاظم

میرزا با چهار نفر سوار به لیوان رفته تحقیقات لازمه را نموده مراجعت نماید. خوانین مذکور چون کلانتری بلوک انزان موروثی آنها بود بارعایا همدست شده ابدأ اعتنائی به اوامر حکومتی نخواهند کرد. آدم غیر را به خود راه نمی دهند. تاچه اقتضا کند.

درباب سه نفر حبسی

به عرض رفته بود گماشتگان قونسولگری دونفر کرمی و يك نفر ملبس به لباس عثمانی رادستگیر کرده به استرآباد آوردند. بعد از استنطاق آنها يك نفر سید تبعه روس بوده و دونفر اصلاً تبریزی^{۴۰۳} ساکن کرم بودند. تفنگ آنها را در قونسلیخانه ضبط^{۴۰۴} کرده [روز هفتم ماه پراخوت به سمت داشکند فرستاده، هرآینه تقصیری نداشته مرخص خواهند کرد و تفصیل استنطاق سه نفر از این قرار است. يك سال ونیم قبل شش نفر از خاک کرم وارد بندر بوشهر به زیارت کربلای معلی می روند. عثمانیها در اوایل جنگ شش نفر رادستگیر ومدتی در بغداد حبس می نمایند. با شبرد آنها را می گیرند. نزاع (?) قونسول آلمان در کرمانشاه ایشان را تفنگ داده به جنگ می فرستد. چهار نفر ایشان در جنگ مفقود شده بعد از مدتی که قونسول آلمان در همدان می رود این دونفر موسوم به قاضی خان و جمعه خان بایک نفر سید با تفنگ ده تیره آلمانی و هفت تیره و بعضی لوازمات به دستگیری یکی از سر کرده های همدان به طهران آمده، از آنجا با گاری عازم مشهد می شوند. ورود به شاهرود دستگیر شده آنها را به استرآباد آورده به موجب قرارداد قانون مابین وزیر جنگ روس و انگلیس رئیس قشون استرآباد آنها را به داشکند^{۴۰۵} می فرستند.

درباب مالیات متعلق به خارجه

هشتم ماه دسمبر وزارت خارجه تلگرافی به کارگذار استرآباد ممتحن الملك نمود، به تصویب وزیر مختاران روس و انگلیس قرارداد داده شده املاکی که در ایران تصرف اتباع خارجه باشد مالیات آن را به اداره مالیه ایران بپردازند. وزیر مختار روس به قونسول استرآباد مراتب را تلگراف کرده معمول دارند.

نمره ۳۱۵

۲۵ دسمبر رفت - ۱۹۱۵

درباب سرقت

شب یازدهم ماه دسمبر تراکمه جعفر بائی هفتاد رأس گاو از قریه کفشگری

۴۰۳ - طوری نوشته که «بربری» هم خوانده می شود.

۴۰۴ - اصل: ظبت.

۴۰۵ - کذا، = داشکند.

دو فرسخی مغربی به سرقت می‌برند. محمدباقرخان امیراکرم پنجاه تومان پول برای ترکمانها فرستاده گاوهای مسروقه [را] مسترد نمودند.

درباب قتل انزان

به عرض رفته بود صفی‌الله‌نام گماشته مسعودالسلطان را به قتل رسانیده‌اند. بعد از آن تهیه اردو نموده به قرب دوهزار نفر اهالی نوکنده و لیوان و غیره در تحت ریاست آقابزرگ‌خان جمع شده چهارنقطه را سنگربندی نموده هرآینه از طرف حاج‌فخرالملک اقداماتی بشود دفاع نمایند. حکمران هم به کسان مقتول گفته است صبرنمائید متدجاً اصلاح بشود. تاجه اقتضا کند.

درباب اصلاح

به سبب قتل عظام‌الملک وسخت‌گیری ایوانف قونسول سابق قاسم‌خان عبدالملکی مدت‌ها در طهران بسر می‌برد، بعد از معزولی قونسول سابق به حمایت سپهدار مراجعت نموده سفارش‌نامه‌چه وزیر مختار به قونسول لابد نوشته امورات هربر ۲۰۶ خاقان را اصلاح نمایند. مشارالیه به امر قونسول دربندر جز آمده میرزا علی‌اکبرخان مترجم از طرف قونسول بندر می‌رود، بین ورثه عظام‌الملک مرحوم رابا قاسم‌خان اصلاح نمودند. قاسم‌خان پانصد تومان وجه به میرزا علی‌اکبرخان تعارف داده مراجعت به زاغ‌مرز ۲۰۷ صبیبه مرحوم عظام‌الملک همشیره عظام‌الملک حالیه است برای برادرش عروسی نموده لکن مدتی است منزل میرزا جعفرخان است.

درباب جز

دهم ماه مذکور خبر رسید يك‌عده قشون روس وارد به مشهدسر و بارفروش شدند. ژاندارم که متوقف بارفروش بود احضار به طهران شده رفتند.

درباب نواقل

میرزا عبدالله‌خان رئیس مالیه چند طغرا اعلان نواقل توی شهر و جلودروازه نصب می‌نمایند. اهالی بلد بعد از اطلاع مطلب تمام اعلانها را پاره پاره کرده و آماده شورش می‌باشند خصوصاً برای مالیات گاو، حال باین خرابی برج و باروی شهر و کثرت سرقت اموال مردم ابدأ اهالی استرآباد اطاعت نخواهند کرد. شروع در گرفتن وجوه نواقل هم از تاریخ بیست و چهارم ماه دسمبر خواهد بود. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب شانزدهم ماه دسمبر دزد طایفه اتابائی به شهرآمده چهل‌رأس گاو از محله

۴۰۶- اصل: هسبر.

۴۰۷- اصل: ناغ مرز.

میدان سرقت می نمایند. بیرون شهر اهالی قریه زنگی محله جلوگیری نموده گاوها را پس گرفتند.

درباب سرقت

ایضاً شب هیجدهم ماه مذکور دو نفر مکاری وارد به قریه سعدآباد نیم فرسخی شده دزد ترکمان دو رأس قاطر مکاری را بادورأس گاو سرقت نموده بردند. نایب الحکومه امر نموده بود غرامت را از کدخدای قریه بگیرند. امیراکرم همانعت کرده ندادند.

درباب جشن امپراطوری روس

روز نوزدهم ماه دسمبر حکمران باخوانین و سایر صاحب منصبان نیم ساعت به ظهر به قونسلخانه رفته تبریک گفتند. قونسول عموماً را برای صرف شام دعوت نموده به ملاحظه تقدس حاج فخرالملک عوض مشروبات لیمونات و شربت استعمال شده به سلامتی دولتین قوی شوکتین روس وانگلیس و ایران هورا، هورا بلند بود. بعد از صرف شام شش ساعت از شب مدعوین مراجعت به منزل خود نمودند.

نمره ۱

غره ماه جنواری ۱۹۱۶ مسیحی

درباب قتل

بیست و دویم ماه دسمبر خبر رسید در گلوگاه نه فرسخی استرآباد خود به خود نزاعی کرده یک نفر مقتول شد.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید اهالی فندرسک پنج رأس اسب قزاقهای روسی را از کمیسیون گنبد قابوس سرقت کرده بردند. به سبب انقلاب که در ایران است روسها بعضی مطالب را اغماض کرده سختی نمی کنند. تاجه اقتضا کند.

درباب کمیسیون

بعد از معزولی محمود آقاخان چندی گذشتت سردار فخم معزول شد. زمان عزیمت به طهران مأموریت کمیسیون را به اسم عباسقلی خان سرتیپ پسرش معین کرده، چنانکه در سابق دو مرتبه مشارالیه به مأموریت گنبد قابوس رفته بودند.

درباب سرقت

شب بیست و ششم ماه دسمبر چهار نفر دزد ترکمان به شهر آمده یک باب خانه رادر

وسط شهر شکافته به قرب پنجاه تومان اجناس را روی الاغ صاحب‌خانه بار کرده بردند.

درباب قونسولخانه

گریگرف قونسول استرآباد چندی است به‌مأموریت آمده‌اند. به‌سبب کثرت کارها امورات قونسولخانه به‌عهده تعویق افتاده بود، از سفارت يك نفر نایب که زبان فارسی می‌دانست به‌استرآباد فرستاده کمک نمایند. تاکنون با کسی دیدوبازدید نکرده‌است.

درباب نواقل

بیست و هشتم ماه دسمبر به‌توسط کارگذاری رسماً سواداعلانی را به‌وکالت‌خانه فرستاده‌اند که اتباع خارجه به‌موجب قرارداد باوزارت مالیه و خزانه‌داری کل درباب مالهای خودشان رفتار نمایند. الاغ باری ده‌شاهی، اسب يك قران. لاکن کرمیها [ی] ساکن استرآباد برای کم‌وسعتی و پریشانی آه‌وناله‌دارند. وکالت استرآباد منتظر دستورالعمل اولیای سفارتخانه محترم می‌باشند که مجرا بدارند.

مخابرات استرآباد

١٩١٦

٢٤ صفر ١٣٣٤ - ٦ ربیع الاول ١٣٣٥

نمره ۲

۱۳ جنواری رفت - ۱۹۱۶ مسیحی

درباب مازندران

غره ماه جنواری خیر رسید اسمعیل خان امیر مؤید سواد کوهی و کیل مجلس شورای ملی به سواد کوه آمده مشغول جمع آوری سرباز و سوار می باشند. ضمناً روسها از خیال مشارالیه با خیر شده یک عده قزاق از بار فروش بدانجا گسیل داشته اند. تا چه اقتضا کند.

درباب نواقل بندر جز

پنجم ماه مذکور خیر رسید مفتش نواقل بندر جز را اگنط قوسولگری حبس می نماید. کار گذاری استرآباد به سید محمد خان کار گذار بندر تلگراف نموده مفتش مذکور را از حبس اگنط روس نجات دادند.

درباب عزل حکومت

حاج فخر الملک در این مدت سه ماهه استرآباد آمده به سبب نخوت و گرفتن وجه رشوه و پس فطرتی پسرش و بی کفایتی انتظام الملک حکیم که نایب الحکومه بوده تمام استرآبادی رنجش نموده میرزا علی اکبر خان ایروانی به سپهدار اعظم شاکی شده و ضمناً بی میلی روسها باعث شده مشارالیه را معزول [کرده]، ضیاء الدوله که حاکم سمنان بود برای حکومت استرآباد تصویب شده سی رأس مال بنه برای حرکت حاج فخر الملک به توسط محمد باقر خان امیر اکرم نایب الحکومه امر شده. این دو روزه از راه شاهرود عزیمت به طهران می نمایند.

درباب اقدامات

قونسول روس چند روز است به جعفر بائی رفته برای هر طایفه یک نفر پیر مردی قرارداد امور خودشان را رسیدگی نمایند. از آنجا بندر جز می روند، کارهای اگنط را رسیدگی کرده، یوم دوازدهم ماه جنواری مراجعت نمودند.